

کدام مقدم تر است؛ منافع اجتماعی یا منافع فردی؟

# «سهم من» یا «سهم ما»



عکس: نسیم اعتمادی / شهرود

**شهرود** | «انتخابات چه نفعی را در پی دارد؟» یک پرسش ساده که این روزها در ادبیات عامیانه مردم رایج شده است. بی شک مهمترین اصل هر انتخاباتی قدرت تغییر است که آن انتخابات در پی دارد، هر انتخاباتی تغییرات ملموسی را در زندگی اجتماعی و سیاسی هر جامعه به دنبال دارد. این تغییرات در حوزه شهری با توجه به گستره ارتباطات شهروندان با شهر و همچنین با توجه به اجتماعی بودن انتخابات شورای شهر و مجاورت معنوی که این نهاد مردمی با محیط زندگی و دایره زندگی شهروندان دارد دوچندان مشهود و ملموس است؛ تغییراتی که گاه می تواند شکل گیری منافع اجتماعی را به دنبال داشته باشد و گاه منافع فردی. یکی از عواملی که می تواند در تقدم مصالح جمعی بر منافع فردی موثر باشد، ساختار نظام اجتماعی و دستگاه های گوناگون اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است. ساختار سازمان های اجتماعی که خود وسیله توزیع امکانات مادی و معنوی هستند، اگر به گونه ای طراحی و اجرا شوند که هر فرد به آسانی بتواند به نیازهای خود دسترسی یابد، محرک منفعت طلبی، فرصت ظهور و بروز نخواهد یافت. پس از همین رو انتخابات آتی شورای شهر حایز اهمیت است. نامزدهای شوراها با عدم ایجاد توقعات بی مورد جنج گرایی و وارد شدن به مسائل فرعی به منظور انجام فعالیت های قانونی و توان ارائه خدمات بیشتر به مردم است. موضوعی که کارشناسان اجتماعی و سیاسی در گفت و گو با «شهرود» بر آن تاکید داشتند. در ادامه نظرات کارشناسان حوزه مربوطه را باهم می خوانیم.

نگاه

## درد عموم مقدم بر درد فرد



قمر فلاح  
جامعه شناس

خود را در ک کنیم، با چشمان باز و آگاهی کافی خواهیم فهمید که در نظر گرفتن نفع فردی نه تنها نتیجه مثبتی در پی نخواهد داشت، بلکه منافع مالی کشور نیز به سمت تباهی خواهند رفت. اگر هر نفر مبلغ نه چندان بالایی را از سوسی کاندید برای مشارکت در انتخابات دریافت کند، به چندین نفر این مبلغ تعلق خواهد گرفت، اما مسأله اصلی این است که این مبلغ چه میزان در افزایش هزینه های اجتماعی، خدمات درمانی و معضلات امروز کشور کمک خواهد کرد؟

فردی اصطلح خواهد بود که هزینه های اجتماعی و مشکلات ناشی از تورم و سایر هزینه ها را برای عموم مردم تامین کند. برای داشتن اقتصادی بهتر و وثایب تر باید صبر کرد و نتایج برنامه های اقتصادی و برای عموم مردم را هر چند در مدت طولانی دید. تخصیص هزینه برای جمع طبیعتا از تخصیص هزینه برای فرد بهتر خواهد بود.

پرسش دیگری که بسیاری از مردم پیش از انتخابات با آن مواجه خواهند شد این است که از رأی گیری چه چیزی نصیب من خواهد شد؟ باید به این دسته که سهم شرکت از انتخابات را تنها دریافت مبالغ و سایر مزایا می دانند، چنین پاسخ داد: انهایی که هزینه های به دست آمده خود را به فرد فرد شما می بخشند، خود را از باب و از بالا بر شما می نگرند، در حالی که همه کاندیدها باید بدانند که اگر عموم و اجتماع مردم نباشند، آنها نیز وجود نخواهند داشت.

برای فهمیدن تمایز بین نفع فردی و نفع اجتماعی، باید سوال را ابتدا از این جا آغاز کرد: نفع من از شرکت در انتخابات چیست؟ همیشه باید به یاد داشته باشیم که هر دادنی در ادامه گرفتنی هم خواهد داشت. داده ها همیشه گفته و اعلام می شوند، اما هیچ کسی از گرفتنی ها چیزی متوجه نخواهد شد. اگر کسی ماهانه به ما مبلغی را بدهد، در طی سالیان دراز با سودها و حساب های فراوان آن را پس خواهد گرفت، اما در این میان کسی متوجه نخواهد شد که چه میزان را باید برگرداند؟ این نفع فردی در انتها چیزی جز ضرر نخواهد بود. همیشه باید به منافع در بعد زمانی بلندمدت فکر کرد و همواره باید توجه داشت که نفع ما، نفع اجتماعی است. اگر من یکسری مطالبات کوچک همچون وعده های پول و غیره را از طرف کاندیدها رد کنم و هرگز نپذیرم که هزینه ای آن هم از این راه صرف فردیت من نشود، این هزینه فردی با در نظر گرفتن مجموع کل افراد، هزینه هنگفتی برای اشتغال جوانان، خدمات درمانی و سایر نیازهای امروز ایران خواهد شد. اما اگر به جای جمع آوری این هزینه های تکفرد و فرد گرایی به هزینه های اجتماعی بیندیشیم و نیازهای جامعه

یادداشت

## جایگاه مدیریت شهری در نظام برنامه ریزی

تعریف متعددی از مدیریت شهری ارائه شده و هر کدام از این تعاریف بیان کننده نگرشی نظام مند به مقوله مدیریت شهری است: مدیریت شهری عبارت از اداره امور شهر به منظور ارتقای مدیریت پایدار مناطق شهری در سطح محلی با در نظر داشتن و رعایت اهداف سیاست های مملتی، اقتصادی و اجتماعی کشور است یا مدیریت شهری عبارت از یک سازمان گسترده، متشکل از عناصر و اجزای رسمی و غیر رسمی موثر و ذریب در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیات شهری با هدف اداره، کنترل و هدایت توسعه همه جانبه و پایدار شهر مربوطه است. بر این اساس، کارای مدیریت شهری وابستگی مشخصی به عوامل زمینه ای از قبیل ثبات سیاسی، یکپارچگی اجتماعی و رونق اقتصادی و نیز عوامل دیگری از قبیل مهارت و انگیزه های سیاستمداران و اشخاص استفاده کننده از این سیاست ها دارد. تحت این شرایط چار چوب ها و ویژگی های سازمانی حکومت و مدیریت شهری به ویژه نقش اجرایی بخش دولتی و عمومی در آن، تاثیر بسیار تعیین کننده ای در موفقیت آن ایفا می کند.

سیستم مدیریت شهری بنابر تعریف و به لحاظ وظایف عملی خود موظف به برنامه ریزی توسعه و عمران شهری و اجرای برنامه ها، طرح ها و پروژه های مربوطه است. انجام این وظایف تعیین کننده نوعی هویت برنامه ریزی اجرایی برای آن است. در واقع مدیریت شهری در قالب نظام برنامه ریزی اجتماعی و قضائی حاکم بر کشور، اقدام به تهیه برنامه های توسعه شهری برای شهر می کند و سپس آن برنامه را در چار چوب نظام اداری - اجرایی حاکم به پروژه های عملیاتی تبدیل کرده و به مرحله اجرا می رساند. بر این اساس وظایف و جایگاه سازمانی و اجرایی مدیریت شهری را می توان به شرح زیر تعیین کرد:

تعیین نقش سیستم مدیریت شهری به مثابه یک برنامه ریز: این نقش را می توان در دو قالب روابط برون و درون سیستمی مطالعه کرد. در قالب نخست روابط مدیریت و برنامه ریزی شهری در ارتباط با نظام عمومی برنامه ریزی و سطوح بالاتر برنامه ریزی بررسی می شود. مهمترین موضوع قابل توجه در این سطوح، ضرورت تعیین هماهنگی این سطوح با یکدیگر است. در قالب دوم تهیه برنامه های جامع فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی و مالی لازم برای توسعه کارآمد شهر به عنوان اصلی ترین وظیفه سیستم مورد توجه قرار می گیرد.

تعیین نقش اداری - اجرایی سیستم مدیریت شهری: مدیریت شهری به لحاظ اداری - اجرایی یک سازمان بسیار گسترده و متشکل بر عناصر متعدد و متنوع لازم برای اداره امور یک شهر است. هر چند این عناصر طیف عملکرد گسترده ای را شامل می شوند، اما به هر حال عناصر مرکزی و اصلی سازمان شهرداری است که در تمامی عملکردهای تدوین شده سیستم و به ویژه امور اداری و اجرایی دخیل است. در واقع شهرداری از یکسو، جزو عناصر مهم مدیریت سیاسی و اجتماعی شهر محسوب می شود و از طرف دیگر مهمترین



مهدي حسيني  
فعال سياسي

مردم در انتخابات یک حق شخصی دارند و آن حق اعمال حق حاکمیت آنهاست که اگر خواهند طبق قانون اساسی در سرنوشت کشور خود دخالت داشته باشند، لازم آن شرکت در انتخابات و دادن رأی است و در نهایت بدانند که باید تابع رأی اکثریت باشند. رأی دادن به تنهایی خود معنی مشارکت در سرنوشت کشور می دهد.

اما اگر خواهند حقوقی را که طبق اصل ۳ به آن اشاره شده است، به دست بیاورند، باید به کسی رأی دهند که بتواند این حقوق را تامین کند. به عنوان مثال اگر بانوان ایرانی به دنبال کاندیدی زنی باشند، باید این کاندیدا نامین حقوق زنان را

## منافع اجتماعی در صدر فردیت گرایی

طبق اصل بیست و یکم متضمن شود. حقوق متعدد و فراوانی وجود دارند که تنها افرادی به آنها دست خواهند یافت و نمره آن را در زندگی فردی خواهند یافت که مشارکت در انتخابات را به منصفه ظهور برسانند. مجموع حقوق در اصل ۳ بیانگر این نکته هستند که مردم باید مشارکت سیاسی داشته باشند.

هم تامین منافع فردی و هم اجتماعی در انتخابات مهم هستند. طبیعتا یکی از نتایج اولیه منافع جمعی تامین امنیت در ایران است که در بسیاری از کشورهای همسایه این امنیت وجود ندارد و هر روز شاهد انفجار بمب و کشته و مجروح شدن هزاران نفر از مردم هستیم. این امنیت ناشی از حضور مردم در صحنه و صفوف رأی گیری است. مردم با ایستادن در صفوف به همگان این پیام را می دهند که آماده پشتیبانی از نظام هستند. اما در نامنی ما منافع فردی و اجتماعی ضایع خواهند شد و اگر این تباهی رخ دهد چه منفعی وجود خواهد داشت؟ حضور

در صحنه هم امنیت فردی و هم اجتماعی را به همراه خواهد داشت و در طول این سال ها همین حضور قدرت بازدارندگی را برای کشور به ارمغان آورده است.

در این میان ممکن است مردم دقت لازم و کافی را برای انتخاب کاندیدای مناسبی با هدف تامین منافع اجتماعی و فردی نداشته باشند که این مستلزم افزایش بصیرت، آگاهی و شکایت نسبت به وضع جامعه نخواهد داشت. همه باید بدانند که همین رأی ها سرنوشت کشور را خواهند ساخت. در همین جامعه مردم باید مدافع حقوق خود و اجتماع باشند. حتی با همراهی منافع اجتماعی و فردی باید دانست که مصالح جمعی و عمومی یسر مصالح فردی ارجحیت دارند. در جامعه ای که ایثار و از خود گذشتگی با انطباق ارزش ها و معیارهای دینی به همگان نایب شده، منافع جمعی با وجود همراهی با منافع فردی، در اولویت است.

## ۱۴ روایت سیاسی - اجتماعی از «انتخابات» در تاریخ معاصر ایران

# عوام را بفریب، رأی جمع کن!

«نیرنگ» و «ترس» چگونه توانسته است کارگردهای تاریخی در جذب رأی طبقه عوام داشته باشد

کرده به پای صندوق آورده بودند. آنها پشت سر هم ایستاده و دست راست شان در جیب شلوارشان بود تا مبادا رندان آرای دولتی را با سایر آرا عوض کنند. یک مامور شهرداری به نام نصیریان و یک مامور برزن به اسم سالک، رهبری آنها را به عهده داشتند و آرای آن تمام شد و همان ۱۲ نفر لیست منتسب به دولت بود. اغلب شناسنامه ها نو و عکسدار بود که تاریخ صدور آن یک ماه قبل است.»

۴- عوام فریبی به روش های گوناگون، پیشینه ای استوار در تاریخ انتخابات ایران دارد. گزارش مردمی «روزنامه ایران» به سال ۱۳۲۶ در جریان انتخابات مجلس یازدهم، گر چه در بندهای نخست، بازتاب نگرش و کنش «عوام» نسبت به پدیده انتخابات است، اما در بند پایانی که روایت یک «دانشجو» را می نمایاند، هر چند دانشجو را نسبت به انتخابات، در برابر کنش ها و برداشت های طبقه عوام به نمایش گذارده، احتمالاً به تأثیر «دانش» ی سیاسی - اجتماعی در این زمینه اشاره کند که «دانشگاه» در آن روزگار می توانسته است، پدید آورد. عوام فریبی انتخاباتی اما در گذر روزگار در تاریخ معاصر این سرزمین تداوم یافته، ماندگار شده است که اگر چنین نبود یکی از مهمترین نگرانی جامعه ایران در دوره های گوناگون تاریخ معاصر در زمینه انتخابات، «فریب عوام» یا بهره گیری از دو عامل «نیرنگ» و «ترس» نمی بود. جامعه و سیاست امروز به ما رسید داستان زیر از همه متفصح تر و مسخره آمیز تر است. در یکی از حوزه های انتخاباتی سیوری را پای صندوق می آوردند که رأی بدهد. وقتی شناسنامه او را نگاه می کنند نوشته بوده است «سرور اختر محمد علی» بازرس می پرسد مگر اسم تو سرور است؟ سیوری بیچاره می گوید سرور اسم زن من است. پشت این شناسنامه «زانه» عکس یک مرد گردن کلفت چسبانه شده بود. «روزنامه داد» نیز گزارش هایی تفصیلی از این گونه کنش ها در همان انتخابات بازتاب داده است، به عنوان نمونه «مسجد مجد این جا با این که زیر گوش هیات حاکمه است و همان دروز هنگام اخذ رأی عده ای از وزراء در آن حضور داشتند مامورین شهرداری سیوری بیچاره را جمع

برگزیده انتخابات روی کار می آورد. نویسنده این روزنامه، هفتادسال پیش به زیبایی توصیف خود را درباره انتخابات دوره یازدهم مجلس اظهار دارد.

**دل و قلوبه دوره گسرد خیابان نادری:** من آزاد و غیرآزاد را نمی دانم. این قدر می دانم که روز اول تا شناسنامه مان آن گرفتند، به ما مال و قلوبه ندادند. ولی من خودم رأی ندادم.

**یک رفتگر خیابان بهارستان:** من عقیده، مقیده نمی دانم. هر روز چهارشنبه سوار کامیون می آیم و با دیگران برن و رأی ها را توی صندوق انداختیم... ولی من اگر دست خودم بود دلم می خواست به دکتر مصدق رأی می دادم.

**فقال خیابان اسلامبول:** خواهش می کنم جواز کسب ما را به خطر نیندازید، بنده چیزی نمی دانم.

**قصاب خیابان نادری:** آقا من داخل هیچ حزبی نیستم و از کوچکی که پدرم مرده صبح می ایستم و با دیگران می روم ولی همین قدر می دانم تا شناسنامه ما را نگرفتند در قصابخانه گوشت ما را داغ کردند.

**یک نفر دانشجو:** در این که این انتخابات برخلاف قانون فرمایشی است، شکی نیست اما قوام که تصور می کرد نوگرفتن و چاپلوسانی که به وسیله وی به نمایندگی منصوب شده اند به وی وفادار خواهند ماند و او اکثریت مجلس را در دست خواهد داشت سخت در اشتباه بود، زیرا حتی قبل از افتتاح مجلس توطئه چینی و مخالفت علیه او آغاز شد و قوام بیهوده تلاش کرد که آنها را به قید قسم به خود وفادار نگه دارد و کار به جایی رسید که با استقرار مجدد حکومت نظامی به جنگ آنها رفت.

این گزارش «روزنامه ایران» به سال ۱۳۲۶ خورشیدی پس از پایان انتخابات دوره یازدهم، نمای دیگر از جنبه های سیاسی - اجتماعی پیشینه فرآیند انتخابات در تاریخ ایران را به نمایش می گذارد؛ آنچه در این نمای تاریخی به چشم می آید، چنین است «عوام را بفریب یا بترسان، رأی جمع کن» مسیری که در آن به روایت «روزنامه نبرد امروز» در همان روزگار، «اشخاص بی شخصیت و مقیر» را به عنوان

بیانگر باشد. در این آگهی تبلیغات انتخاباتی که دسته های با نام «طرفداران حقوق عمومی» منتشر کرده، شخصیت ها و سیاست ورزانی خوشنام و پرآوازه همچون سیدحسن مدرس، محمد مصدق، مشیرالدوله و مستوفی الممالک را به عنوان نماینده پیشنهادی برای انتخابات مجلس ششم شناسانده اند، چنین آمده است «نظار اشخاص ناامین و مطیع صرف دیگران آنجا نشوید که روز امتحان عقل و تمیز ملت است. مجلس ششم اشخاص وزین و متین و مستعمل می خواهد که فقط پیروز عقیده خود بوده و میزان رأی او اصلاح مملکت باشد. اشخاص ذلیل دارای این صفت واجب الرایه هستند ... [نام نامزدها]»

۳- بررسی پیشینه فرآیند انتخابات در ایران، «نیرنگ» های بسیاری در زمینه اثر گذاری بر فرآیند انتخابات را به بازی می یابند. بنیان این «نیرنگ» ها عمدتاً بر ترساندن بخش هایی از جامعه یا بهره جستن از ناآگاهی سیاسی - اجتماعی آنان استوار بوده است. «روزنامه قیام» به سال ۱۳۲۸ خورشیدی، همزمان با برگزاری انتخابات دوره شانزدهم مجلس شورای ملی، گزارش هایی از این فریب ها منتشر کرده است «در میان گزارش هایی که امروز به ما رسید داستان زیر از همه متفصح تر و مسخره آمیز تر است. در یکی از حوزه های انتخاباتی سیوری را پای صندوق می آوردند که رأی بدهد. وقتی شناسنامه او را نگاه می کنند نوشته بوده است «سرور اختر محمد علی» بازرس می پرسد مگر اسم تو سرور است؟ سیوری بیچاره می گوید سرور اسم زن من است. پشت این شناسنامه «زانه» عکس یک مرد گردن کلفت چسبانه شده بود. «روزنامه داد» نیز گزارش هایی تفصیلی از این گونه کنش ها در همان انتخابات بازتاب داده است، به عنوان نمونه «مسجد مجد این جا با این که زیر گوش هیات حاکمه است و همان دروز هنگام اخذ رأی عده ای از وزراء در آن حضور داشتند مامورین شهرداری سیوری بیچاره را جمع



عکس: نسیم اعتمادی / شهرود